

## تکمله يی برکتاب:

## جغرافیای تاریخی سیستان

## وصف ویرانه های زاهدان، پیشاوران و شهر رستم

(به قلم ساوج لندنور)

قسمت دوم (فصل دهم)

## از قلعه فتح تا پیشاوران (ادامه شهر زاهدان):

ساوج لندنورکه وسعت ویرانه های زاهدان را از ۸۰ تا ۹۰ میل میدانند، به تحقیقاتش در این مورد ادامه داده مینویسد: حال که دیدنی های خود را بیان کردم، بی مناسبت نخواهد بود اگر چند داستان و جزئیات تاریخی زیربسط به این شهر تاریخی را که به نظرم معتبر می آیند بیان کنم و نظرچند سیاح دیگر را که تانیدی برگفته هایم هست، ذکر کنم.

لیندور، ابتدا از زبان کلانتر دهکده جدید زاهدان علت خرابی شهر زاهدان را توسط شاهرخ که با روایات تاریخی همخوانی دارد، بیان میکند و مینویسد: وقتی شاهرخ شاه، فرمان روای ترکستان بود، حاکم سیستان ملک قطب الدین کیانی نام داشت. زمانی که شاهرخ شاه سرگرم منازعه و حل و فصل پاره ای اختلافات در بخش شمالی قلمرو خود بود، ملک قطب الدین از فرصت استفاده کرده بر شهر هرات حمله نمود و آنرا متصرف شد. با استماع این خبر؛ شاهرخ، با قوانی به سیستان حمله کرد. سیستان در آن زمان فوق العاده حاصلخیز، ثروتمند و پر رونق بود و شاهرخ بخش هایی از شهر بی پایان زاهدان را تصرف نموده و سکنه آنرا پراکنده کرد. شهر مذکور از قلعه فتح در جنوب و درکنار مجرای هیرمند تا لاش و جوین در شمال، درکنار رودفراه ادامه داشت. فاصله ای که در نقشه های توپوگرافی تهیه شده با برداشت زمینی، حدود ۸۶ میل میباشد. این فاصله با آنچه که امیر حشمت الملک درمورد طول شهر زاهدان گفته بود، مطابق دارد.<sup>۱</sup>

شهر زاهدان در هر ۶ فرسخ با یک قلعه بزرگ حفاظت میگردید. هرقلعه یک دژ نیرومند و یک برج دیده بانی بسیار بلند شبیه آنچه که در شمال اسکل دیده بودم، داشت. روایت دیگری در مورد ویرانی و انهدام زاهدان وجود دارد که به تیمور لنگ، پدر شاهرخ مربوط میشود. طبق این روایت، درنده خونی تیمورلنگ باعث ویرانی و انهدام زاهدان و تمام سیستان گردید. سیستانی ها از تیمور لنگ حتی امروز هم با وحشت و انزجار یاد میکنند. اینکه آیا زاهدان دوبار مورد هجوم و ویرانی قرار گرفته و یا اینکه فقط یکی از دو روایت صحیح می باشد، امروز با قاطعیت نمیتوان گفت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - روایتی است که سیستان در روزگاران گذشته چنان آباد بود که باری بزغاله بزی بریام خانه مالک خود در زاهدان پریده بود و صاحبش هرقدر تلاش نمود تا بزغاله را بگیرد، ولی بزغاله از یک بام به بام دیگر خیز میزد و مالک هم دنبال او بود تا بالاخره بزغاله را در جوین گرفت. این حکایت میرساند که فاصله بین زاهدان تا جوین همه مملو از آبادی بوده است. سیستانی

<sup>۲</sup> - تاریخ گواهی میدهد که سیستان دوبار مورد حمله و قتل و ویرانی بندهای آب توسط تیمور لنگ و پسرش شاهرخ قرار گرفته است. سیستانی

شواهد وقراینی که در تمام سیستان شرقی دیده میشود اینست که این منطقه زمانی در معرض هجوم، چپاول و قتل وکشتار وحشتناکی قرار گرفته و احتمالاً مسنول این انهدام شاهرخ ( تیموریدر شاهرخ) وجانشینانش (۸۵۳ تا ۸۷۲ق) بوده اند. این تهاجمات به مدت ۶۰ سال ادامه یافته تا اینکه بالاخره شاه اسماعیل صفوی با فتح خراسان وممالک مجاور آن، سلسله قدرتمندی بنا نهاد که تا سال ۱۱۳۵ قمری/۱۷۲۲م دوام آورد. در زمان صفویه، حکمرانی سیستان به دست ملوک خاندان کیانی بود که خود را بازماندگان خانواده "کی"(کیخسرو) میدانستند. اینجانب از روستایی عبور کردم که رئیس آن حتی ادعای بازماندگی خانواده کیانی را داشت. خرابه های زاهدان، آنگونه که امروز از بلندترین نقطه دیوار قصر دیده میشوند، در یک امتداد قوسی از شمال به جنوب شرقی کشیده شده اند. در بخش جنوب شرقی، ویرانه ها بهتر مانده و شن کمتری روی آن ها را پوشانده است. قصرمورد نظر در نیمه راه بین دو انتهای شمالی و جنوبی شهر واقع است. تمام شواهد وقراین حاکی از آن هستند که امروز ویرانه های مبسوط پیشاوران در شمال، پولکی، دشتک(دکتر بیلو:دوشک، ذکر نموده) و نادعلی فقط دنباله ویرانه های زاهدان هستند.

داکتر بیلو(Dr. Walter Bellew) که در سال ۱۸۷۲(۱۲۵۱ش) از خرابه های زاهدان بازدید کرده، از آنها به عنوان ویرانه هایی یاد میکند که در جهت شمال شرقی تا چشم کار میکند دیده میشوند، و تا ویرانه های دوشک(دشتک) در حدود ۹ میلی رود هلمند نیز ادامه دارند. این خرابه ها همراه با ویرانه های پولکی( ویرانه های که در آن پول ومسکوکات یافت شده)، نادعلی، پیشاوران، گسترده ترین ویرانه های سیستان بوده ونشان از پرجمعیت ترین مراکز سکونت سیستان دارند. از نظر عظمت، این ویرانه ها امروزه بین سند ودجله، همتا ندارند. "دوشک" یا (دشتک) در حدود ۱۴ میلی جنوب وجنوب شرقی شهر ناصری در ساحل راست کانال اصلی که رود هلمند در جهت غرب، کشیده شده، واقع است. دشتک شهر بزرگی با دیوار وبرج ها وقلعه ای در درون آن می باشد. گفته میشود که دشتک(یا راشکک اصطخری) مرکز سکونت ودارلحکومه اولین حاکم خاندان صفوی در سیستان بود وماتند تمام شهرهای دیگر سیستان [بوسیله مهاجماتی چون] تیمور لنگ ویران شد. در خرابه های آن، شهر کوچکتری با حدود ۵۰۰ خانه بنام جلال آباد ساخته شد که مقر بهرام خان، آخرین ملک کیانی بود. شهر بوسیله بهرام خان وبه افتخار پسرش جلال الدین ساخته ونامیده شد. جلال الدین، بعدها از حکومت رانده شد و از آن زمان ستاره اقبال کیانیان در سیستان غروب کرد.

پولکی(Polaki)، نیز در کنار کانال اصلی و در شرق دشتک واقع است. پیشاوران در شمال زاهدان قرار دارد. ویرانه های آنها بخشی از خرابه های شهر بزرگ را تشکیل میدهند. هم سرفردریک گولدسمید وهم داکتر بیلو، خرابه های این شهر ها را دیده و میتوانند شهادت دهند که بین جلال آباد و برج افغان و پیشاوران با انبوهی از ویرانه های نیمه آشکار ونیمه پنهان پوشیده شده است. این جانب موفق نشد خرابه های پیشاوران را ببینم، زیرا که آنها درخاک افغانستان واقع اند و ورود انگلیسها به افغانستان ممنوع میباشد. سرفردریک گولدسمید که ضمن ماموریت هیات سرحدی ایران وافغان از خرابه های پیشاوران بازدید کرده، آنها را بسیار گسترده و دیوار های آنها را مستحکم و متشکل از لایه های متناوب آجر کوره وخشت خشک شده در آفتاب، توصیف مینماید.

ظاهراً در آنجا ویرانه های یک مدرسه با مسجد ومحراب از همه ابنیه دیگر بزرگتر بوده و دارای تزئینات ویک لوح با خط کوفی بوده است. مسیر دیوارهای قصر (درسال ۱۸۷۲م، یعنی زمان بازدید گولد سمید) به گفته سرفردریک به شکل استوانه ای بی نظم با قطر معادل ۲۰۰ تا ۳۰۰ یارد(هریارد= ۹۲ سانتی متر) بودند. ارتفاع دیوارها حدود ۵۰ فوت و به طرز بسیار مستحکمی از آجر پخته ساخته شده بود. قسمت هایی از گالری های با سقف قوسی به ارتفاع ۵ فوت وعرض ۵ فوت که دور تا دور بالای بارو وجود داشت، در زمان باز دید گولد سمید هنوز پابرجا بودند. مشابه معماری پیشاوران، به شرح زیر در خرابه های زاهدان نیز دیده میشود ومن فکر میکنم، شکل شماره ۵۸ به خوبی ویژه گی های این معماری را نشان دهد.

گولدسمید(Sir Fredric Goldsmid) مینویسد: « دو برج حجیم مدور جهت محافظت در طرفین دروازه قرار

داشتند و دروازه به راهروی شیب دار باریکی منتهی می گردید. در مرکز قلعه، یک تپه با خانه ای روی آن که احتمالاً محل سکونت حاکم بود، قرار داشت. در جنوب تپه های ماسه بادی تا بالای بارو را پوشانده بود.<sup>۳</sup> البته من فکر میکنم که گولد سمید اشتباه کرده است، زیرا تپه های ماسه بادی نه از سمت جنوب که از سمت شمال تجمع میکنند.<sup>۳</sup> اگر تپه ها های شنی و ماسه بادی تا ارتفاع دیوار دو قصر بالا آمده باشند، میتوان نتیجه گرفت که بسیاری از ابنیه کوچکتر و کم ارتفاع تر به کلی زیر شن مدفون شده اند. وجود این ابنیه را میتوان از خرده آجر، ظروف سفالی و قطعات دیگر موجود بر سطح زمین شنی، اثبات نمود. ممکن است کسی سنوآل کند که چطور این قطعات کوچک، همراه با ابنیه در زیر شن مدفون نشده و بر روی آن قرار گرفته اند. اساساً باد باعث و بانی قرار گرفتن آن ها در سطح زمین است. باد آنها را از محلی به محل دیگر می برد تا بالاخره به مانعی گیر کرده و در اطراف آن تجمع نمایند.

گولدسمید در ادامه توضیحات خود در مورد پیشاوران می نویسد: «ویژگی بزرگ این ویرانه ها، تعداد زیاد طاق های قوسی شکل(رواق ها) می باشد که با دقت زیاد ساخته شده و هنوز هم قسمت هایی از آنها باقی مانده اند. این طاق های قوسی (رواق ها) که روی تمام خانه و آسیاب های بادی زده میشد، مشخصه ساختمان های امروزی سیستان نیز میباشد.» به طوری که قبلاً هم گفتیم، در ویرانه های ابنیه زاهدان نیز این مشخصه دیده میشود. ویرانه های پیشاوران به چند گروه تقسیم میگردند. از آن جمله می توان به ویرانه های سالیان(Saliyan) واقع در سه میلی قلعه پیشاوران، خیرآباد، قلعه ملامان، کول ماروت(Kol Marut)، نگارخانه(Nikar-Khanah) و غیره اشاره نمود.

دکتر بیلو که اردوگاه خود را در سالیان برپا نموده بود، مینویسد: «خرابه های سالیان چندین میل مربع را در بر میگیرند و در میان آنها ویرانه های مساجد، مدارس، کتیبه های عربی در بعضی ساختمانها دیده میشود که تاریخ آن ها به زمان تصرف اعراب بر میگردد. تمام سقف ها بدلیل نبودن الوار(چهارتراش) در سیستان، دارای طاق قوسی(رواق) هستند. مهم ترین مشخصه ویرانه های مذکور، گستردگی قابل ملاحظه و بقای آنها در شرایط نسبتاً خوبی می باشد.»

من هم با دکتر بیلو موافق هستم. تمام کتیبه هایی که در زاهدان پیدا کردم و توضیح بعضی از آنها در این نوشته داده شد، به زبان عربی می باشند و همچنین کلیه نقش و نگار و تزئیناتی را که مشاهده نمودم، نشانی از زبان عربی داشتند. داکتر بیلو وسعت زمینی که خرابه های پیشاوران را احتوا میکند، حدود ۶ در ۸ میل(تخمین ۱۰ در ۱۴ کیلومتر) ذکر نموده است. وی همچنین نوشته که خرابه های مذکور خود در محل ویرانه های قدیمی تری ساخته شده اند و مانند هر کاوشگر دقیق آثار باستانی، داکتر بیلو هم به این نتیجه رسیده که از نقطه نظر اسلوب معماری و قدمت، تمام خرابه ها و ویرانه های موجود در بین لاش جوین در شمال، تا قلعه فتح در جنوب، مشتمل بر پیشاوران، زاهدان و غیره مطلقاً ماهیت یکسانی دارند.

در مورد ویرانه های پیشاوران، گولدسمید هم نظریاتی مشابه عقاید داکتر بیلو را عنوان کرده و مینویسد که در بازدید خود از لاش جوین، وی مجبورگردید ۳ تا ۴ میل در جهت غرب حرکت کند تا تمام ویرانه های آنجا را ملاحظه نماید. او از مشاهده یک پرستشگاه یا یک محراب صحبت میکند و مینویسد که بر دیواربالائی یک ستاره ماسونی بزرگ پنج نقطه ای وجود دارد که با یک دایره محاط شده و یک شکل ساغر گرد بین هریک از نقاط ستاره و یکی دیگر نیز در مرکز قرار دارد. وی همچنین مقبره سید اقبال را مشاهده کرده که سیاح دیگر بنام «کریستی» نیز آنرا دیده بود.

حدود ۸ میل بسمت شمال غربی خرابه ها یک تپه فلات مانند با قلعه مسطح وجود دارد که کوه قوچ نام دارد و

<sup>۳</sup> - من نظر گولد سمید را تائید میکنم که خود تپه های ماسه را در جنوب دیوار قلعه مشاهده کرده است. زیرا باد سیستان از شمال بسوی جنوب میوزد ولی ریگها در پشت دیوار جنوبی قلعه ها توده میشوند و از آن تپه میسازد، نه در سمت شمال دیوار قلعه. سیستانی

از نظر شکل ظاهری بی شباهت با کوه خواجه در جنوب غربی شهر ناصری نیست. تعداد ۴ روستا در نزدیکی کوه قوچ وجود دارند. در شرق آن فراه رود و در غرب آن رود هاروت واقع است. هردو رودخانه، وقتی آب دارند، به دریاچه (سابوری) تخلیه می‌کنند. رود هاروت همیشه آبدار و جاری نیست. در جنوب دریاچه مذکور، نیزار باتلاقی قرار دارد که جزوی از هامون هلمند به شمار میرود. آن دریاچه در زمان مسافرت بنده و عبور از آن، عمدتاً خشک بود. دریاچه مذکور در واقع بسیار بزرگ بوده و گودی های زیادی دارد، اما در قسمت شمالی آن که مجاور گوشه جنوبی خرابه های پیشاوران می باشد، آبی که بتوان دائمی نامید، وجود ندارد. این دریاچه عمدتاً با شبکه ای از کانال های تغذیه شده از هلمند از بالا دست بند که نوعی سد انحرافی است، پر میشود.

بین خرابه های پیشاوران، دکتر بیلو آثار چند کانال را پیدا نمود که دیگر خشک بودند. یکی از آنها توسط رئیس هوکات (اوق) باز سازی شده و از آن طریق آب به منظور استفاده در آبیاری به خرابه های سالیان آورده میشود.

در مورد انتهای جنوبی شهر بزرگ، یعنی قلعه فتح؛ توصیف های بسیار خوبی به وسیله فریه؛ گولد سمید و بیلو صورت گرفته است که جملگی دلالت بر وسعت و بزرگی آن دارند. در اینجا نیز قصر بزرگی روی تپه مصنوعی دیده میشود که احتمالاً حدود ۲۵ یا ۳۰ سال پیش باز سازی شده است. دکتر بیلو میگوید که خرابه های مذکور در حدود چند میل پراکنده هستند. و گولد سمید از خرابه هایی صحبت میکند که در سطحی به قطر ۲/۵ میل پخش و پراکنده بوده و قصری بزرگ و ابنیه عالی با طاق های قوسی شکل (رواق ها) در بین آن ها واقع هستند. او همچنین از میدان های بزرگ و باقیمانده مخازن، کاروانسرا ها و ابنیه بزرگ متروکه می نویسد. با این حال از آثاری که فوق العاده و عالی باشد ذکری به میان نمی آورد.

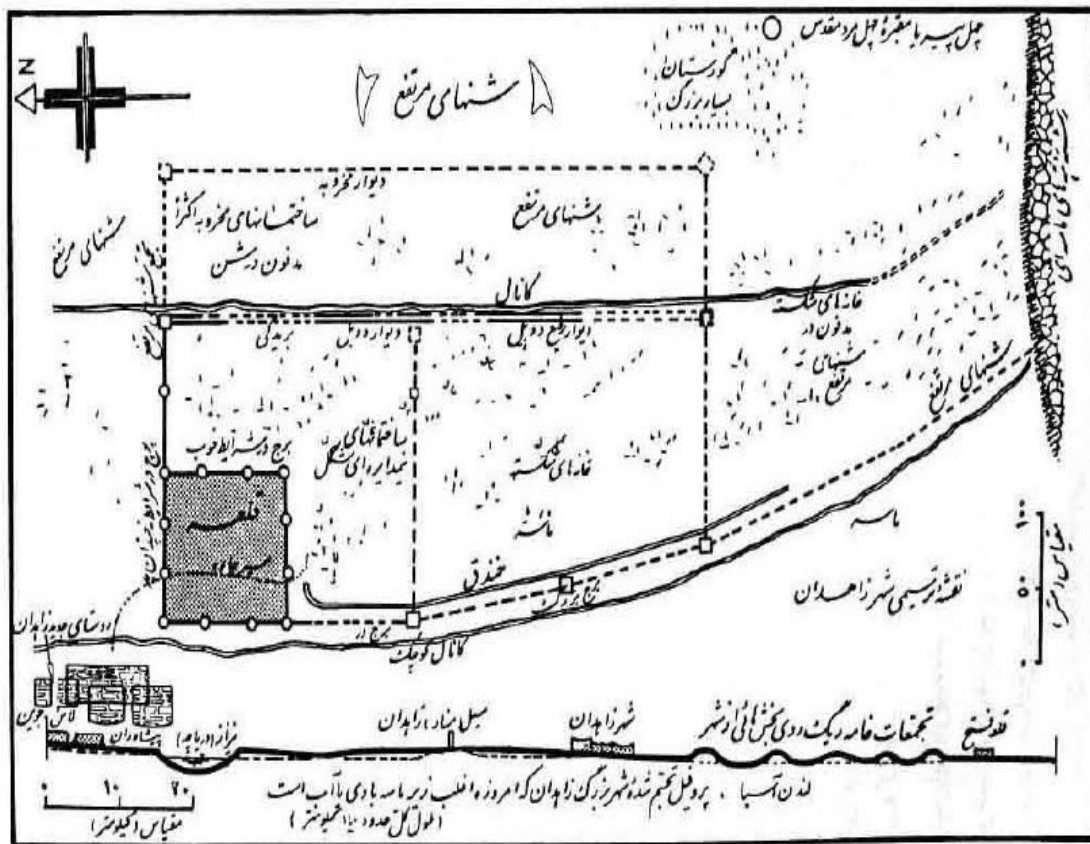
البته خصوصیت در مورد هرچیز ایرانی (پرشیا) اعم از قدیم و جدید صدق میکند، به ویژه در مورد چیز هائی که به معماری مربوط باشند. من فکر میکنم که این میان مایگی (اعتدال) در هرچیز، ناشی از این باشد که ایرانیان طبیعتاً چوپان بوده اند: که هجوم ماسه بادی و شن های کویرهای ایران مرتباً مردم را از خانه و کاشانه خود می رانده است. که رودخانه ها مرتب تغییر مجرا میدادند. که تأمین دائمی آب مصرفی در بیشتر قسمت های ایران همیشه مشکل بوده است. که جنگ های مخرب و هجوم اشغالگران باعث می شده که مردم ایران [بخصوص مردم سیستان] از احداث ابنیه عالی و مجلل و خانه های فوق العاده که به هر حال به زودی باید آنجا را ترک میکردند، اجتناب بورزند. جمیع عوامل مذکور باعث گردیده که تعداد کثیری ویرانه روستاها، شهرها، و قلاع متروکه در سرتاسر پرشیا پراکنده بوده و در دید کلی منظره ایجاد شده که در هیچ کشور دیگری در جهان نظیر ندارد.

در قلعه فتح، تأمین آب، مشغله عمده ای نبوده است، زیرا شهر به مجرای اصلی رود هلمند نزدیک بود. این خطر تهاجمات و قتل و غارت بود که شرایط لازم جهت تأمین امنیت و ثبات را مختل میکرد. امنیت و ثباتی که شرط اساسی تمایل مردم به ایجاد ساختمان های بزرگ، فوق العاده و دائمی می باشد. در مورد وجود خطر دائمی تهاجمات نظامی به قلعه فتح و جاها دیگر نمیتوان تردید نمود، زیرا اگر چنین نبوده، این همه دیوار و حصار و باروهای متعدد و مستحکم برای حفاظت قسمت های مختلف شهر بزرگ ساخته نمی شد. گولد سمید باقیمانده یک کاروانسرای خوب را در قلعه فتح مشاهده و توصیف کرده است. طبق نوشته او، این ساختمان از آجر های پخته در کوره ساخته شده و اندازه آجر تقریباً ۱۱ اینچ مربع بود. طراحی ظاهری کاروانسرا بسیار خوب و از نظر زیبایی نسبت به سایر ابنیه سیستان ارجحیت کامل داشت. حیاط بزرگ داخل کاروانسرا احتمالاً با یک سقف بزرگ گنبدی پوشیده بود. اطراف این حیاط، اتاق ها و اصطبل ها واقع بودند و یک یخ خانه از خشت های خام در مجاورت کاروان سرا ساخته شده بود. در قبرستان مجاور، تکه های آجر ها و سنگ های مرمر سفید مشاهده گردیده است. گولد سمید دیوار اطراف شهر قلعه فتح را به ضخامت ۶ فوت در پایه و یک فوت در بالا توصیف میکند. این دیوار که ضخامت آن به تدریج کاهش می یابد، تا حدودی با دیوار دور شهر زاهدان متفاوت بوده و به نظر من مدتها بعد از زاهدان ساخته شده است. گولد سمید

مینویسد که بعضی از خیابانهای شهر قلعه فتح، شرقی - غربی بوده و چنان خوب باقی مانده اند که گویی جدید الاحداث هستند.

احتمالاً، در حقیقت با احتمال قریب به یقین، این قسمت از شهر بزرگ که آخرین پایتخت ملوک کیانی بوده و در اثر حمله نادرشاه افشار تخلیه شده، به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی آن در شرق مجرای اصلی رود هلمند، تا مدتها بعد از آن واقعه هم مسکون بوده است. مجرای یک کانال خشک شده وجود دارد که ما در حرکت خود از سیستان به بلوچستان، از آن عبور کردیم. این مجرای خشک<sup>۴</sup> از رود هلمند در شمال قلعه فتح جدا گردیده و در جهت غربی ادامه دارد.

در خاتمه این مبحث باید اضافه کنم که گفته های مردم محلی، بازدید های خودم و عکس های که گرفته ام، جملگی مرا به این نتیجه گیری هدایت نمودند که شهر بزرگ یک وضعیت استثنائی و فوق العاده داشته است. اعم از اینکه تمام این ویرانه ها را یک شهر واحد و طویل فرض کنیم یا آن را مجموعه ای از شهرهای مجزای کنار هم در نظر بگیریم، بدون شک زاهدان مجموعه ای از خانه های به هم پیوسته و غیر مجزا بوده که حدود ۸۶ میل طول داشته است (رک: شکل ۶۸). صرف نظر از اینکه در انگلیس، عالمان و محققین چه فرضیه هایی در این مورد مطرح نمایند، یک واقعیت کماکان باقی خواهند ماند و آن اینکه این شهر بزرگ که به حق باید آن را «لندن آسیا» نامید، معرف یک دوره شکوفا و پر رونق در تاریخ شرق ایران بوده است.<sup>۵</sup>



شکل ۶۸- پلان آرگ زاهدان و پروفیل طولی شهر بزرگ، ترسیم از روی نقشه‌ای از ساوج لندون، ۱۹۰۲ م

<sup>۴</sup> - این مجرای خشک بنام رود بیابان از محل دک دیله بسوی خرابه های شهر رستم و قلعه تراکو ادامه یافته است. سیستانی  
<sup>۵</sup> - جغرافیای تاریخی سیستان یا سفر با سفرنامه ها، صص ۶۶۲-۶۵۸

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵